

# سیری در نظریه های مهاجرت

حسین حاج حسینی

شهرگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

## چکیده

در این مقاله در راستای ارائه تئوری های مربوط به مهاجرت، نخست به بیان مبانی نظری در خصوص پدیده مهاجرت پرداخته و سپس مدل های جاذبه و دافعه را تعریف نموده و به دو مدل روانشناختی و اورت اس لی در این رابطه اشاره می گردد. در ادامه نظرات زیمنپ و استافر، لوری و راجرز، اسکوتز و شاستاد مطرح می گردند، سپس ضمن ارائه تعاریفی از الگوهای توسعه ای مهاجرت، نظریه الگوی اقتصاد دو بخش توسعه آرتور لویس طرح گردیده و به دنبال آن مدل سرمایه گذاری انسانی و هزینه و فایده شاستاد و داوتز ارائه می گردد. نظریه اقتصادی مهاجرت مایکل تودارو و مدل شبکه ای و مدل رفتاری توماس و زنائیسکی و در ادامه مدل سیستمی مابوگونج و نهایتاً مدل وابستگی و نظریه محرومیت نسبی استارک و ونگ از جمله نظریاتی هستند که در این مقاله مورد بررسی و مذاقه قرار می گیرند.

## کلید واژه ها

مدل های جاذبه و دافعه، الگوهای اقتصاد مهاجرت، مدل شبکه ای، رفتاری و سیستمی مهاجرت، مدل وابستگی و نظریه محرومیت نسبی.

در چارچوب اقتصاد توسعه مورد توجه قرار گرفته است. به عبارت دیگر تقریباً می توان گفت که مهاجرت همزاد زندگی اجتماعی بشر بوده است. بدینسان که از زمانی که انسان نخستین مرحله معیشتی خود یعنی مرحله گردآوری خوراک را آغاز نمود، برای تأمین معیشت خود از یک سو و جهت ایمن ماندن از گزند حوادث طبیعی از سوی دیگر، ناگزیر از حرکت از مکانی به مکان دیگر بود. انسان در مرحله بعد یعنی مرحله تولید خوراک است که توانست یکجانشینی را در اختیار نموده و مکانی ثابت جهت اسکان بیاید. ولی به رغم اسکان عمومی بشر، جمعی از انسانها به دلیل زندگی شبانی همچنان کوچروی را تا کنون ادامه داده اند.

به هر حال اگر از سرگذشت تاریخی انسان بگذریم، موضوع مهاجرت به دنبال انقلاب صنعتی در اروپا به دلیل تحولات شگرف اقتصادی، اجتماعی، در جوامع آن دیار به عنوان یک مشکل اجتماعی سر برآورد. اما به دلیل رشد پایین جمعیت در اروپا از یک سو و جذب مهاجران در صنایع نوپا و رو به رشد شهری از سوی دیگر، جا به جایی جمعیت، مشکل اساسی برای جوامع آن سامان ایجاد نکرد. اما در کشورهای جهان سوم به دلیل رشد سریع جمعیت از یک سو و توزیع نابرابر امکانات و رشد اقتصادی کند و نامتوازن از سوی دیگر، امواج مهاجرت انسانها چه از روستاها به شهرها و چه از شهرهای کوچک به شهرهای

امروزه یکی از مسائل مورد علاقه پژوهشگران علوم اجتماعی و اقتصاد، بررسی مهاجرت از زوایای مختلف است و در این راه از ابزارهای بسیار متنوعی، از انواع نمودارها و شاخصهای توصیفی تا مدل های پیچیده ریاضی استفاده می کنند. در این میان مهاجرت داخلی سهم عمده ای از این مطالعات را به خود اختصاص می دهد که هدف عمده این پژوهشها درک هر چه بیشتر خصوصیات مهاجرین، ویژگی های مسیرهای مهاجرت و عوامل مؤثر بر شدت و یا ضعف جریان مهاجرت در هر یک از این مسیرها می باشد. همچنین بررسی تغییرات این ویژگی ها و عوامل در طول زمان از دیگر نکات حائز اهمیت در این میان است.

در این قسمت موضوعات نظری و تئوری های موجود در زمینه مهاجرت مورد بحث و بررسی قرار خواهیم داد.

### ۱. مبانی نظری

مهاجرت یا کوچ کردن همواره یکی از راههایی بوده است که به انسان در تلاش خود برای سازگاری با محیط و فایق آمدن بر دشواریها کمک کرده است. اما اگر جریان مهاجرت در طول تاریخ به عنوان یک وسیله تنظیم خود به خودی منابع و موجودات تلقی شده است، در این دوره، جنبه های منفی آن نیز آشکار شده و اثرات اقتصادی اجتماعی حاصل از این جریان

بزرگ به عنوان یک مشکل اساسی بروز نمود. در مورد اینکه این حرکت امواج انسانی از چه ساز و کارهایی (مکانیسم) تبعیت می کند و یا انگیزه های این گونه انسان ها اساساً چیست و به طور کلی آیا می توان برای حرکت انسان ها (مهاجرت) قانونمندی خاص را در نظر گرفت، در علوم اجتماعی و به ویژه جامعه شناسی منجر به ارائه دیدگاه های مختلفی گردید. در این بررسی و سطور بعدی به نظرات و دیدگاه های عمده طرح شده در زمینه مهاجرت پرداخته می شود.

## ۲-۱. مدل روانشتاین<sup>۱</sup>

روانشتاین در سال ۱۸۸۵ مقاله معروفی تحت عنوان «قوانین مهاجرت» ارائه کرد. خلاصه این قوانین به شرح زیر است:

۱-۲. مهاجرت و مسافت: براساس نظر روانشتاین اکثر مهاجرین مسافت کوتاهی را طی می کنند و با افزایش مسافت میزان مهاجرت کاهش می یابد. به عبارت دیگر میزان مهاجرت با فاصله رابطه دارد.

## ۲. مدل های جاذبه و دافعه

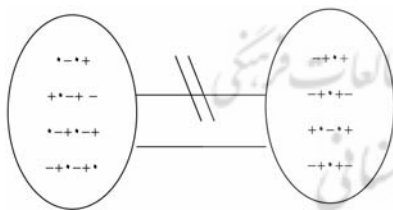
مهم ترین نظریه ای که در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم مورد توجه محافل علمی قرار گرفت و اولین دیدگاه نظری حرکت های جغرافیایی انسان ها در جوامع تحت عنوان مدل های جاذبه و دافعه ارائه گردید. در این مدل ها، نظریه پردازان به طور کلی به دو دسته عوامل توجه داشته اند:

- الف) عواملی که باعث دافعه انسان ها از محل اسکان خود (منطقه مبدأ) شده است.
- ب) عواملی که باعث جذب آنها در منطقه مقصد می گردد.
- براساس این نظریه، عوامل اقتصادی- فیزیکی نامناسب در یک مکان موجب می شود که افراد محل زندگی خود را ترک کرده و به مکان دیگری که از نظر اقتصادی، اجتماعی و
- ۲-۱-۲. مهاجرت مرحله ای: به اعتقاد روانشتاین مهاجرت به صورت یک مرحله ای انجام می پذیرد و آهنگ مهاجرت در جهت مراکز تجاری و صنعتی است. در این فرآیند روستاییان روستاهای دوردست شکاف هایی را که در جمعیت روستاییان که اهالی آنها به شهر مهاجرت نموده اند را پر می نمایند.
- ۲-۱-۳. جریان و ضد جریان: هر یک از جریان های اصلی مهاجرت یک ضد جریان جبرانی را ایجاد می کند.
- ۲-۱-۴. اختلاف روستا - شهر در تمایل به مهاجرت: اهالی شهرک ها نسبت به اهالی نواحی روستایی کمتر مهاجرت می نمایند. به عبارت دیگر هر چه اختلاف مبدأ و مقصد کمتر

شده احتمال مهاجرت نیز کمتر می شود. عواملی که برای عده ای کم اهمیت هستند (به عنوان مثال هزینه سفر) ممکن است برای عده دیگری تحریم کننده باشد. عقاید تئوریکی اورت اس. لی به مزایا و مضرات مکان مبدأ همانند پتانسیل های مکان مقصد و همچنین موانع مداخله گر بین دو مکان توجه دارد. همچنین به نظریه عواملی که در تصمیم به انجام مهاجرت و فرآیند آن وارد می شوند، عبارتند از:

۵-۱-۲. افزونی شمار زنان در بین مهاجرین در مسافت های کوتاه: به نظر می رسد که تعداد زنان در بین مهاجرین مسافت های کوتاه نسبت به مردان برتری داشته باشند.  
 ۶-۱-۲. تکنولوژی و مهاجرت: روانشتاین معتقد است با افزایش تکنولوژی، مهاجرت بیشتر صورت می پذیرد.  
 ۷-۱-۲. غلبه انگیزه های اقتصادی: قوانین بد یا ظالمانه، مالیات سنگین، عدم جاذبه های اقلیمی، شرایط اجتماعی نامساعد و حتی اجبار و غیره در بروز مهاجرت مؤثر هستند ولی هیچ یک از این عوامل بیش از ملاحظات مادی و اقتصادی برتری ندارند.

در سه چهارم قرنی که گذشت، نظریات روانشتاین مورد اعتراض شدید بعضی از نظریه پردازان قرار گرفته است با این وجود هنوز نظرات وی مورد اقتباس بسیاری نیز قرار می گیرد.



موانع مداخله گر

## ۲-۲. مدل اورت اس. لی<sup>۲</sup>

اورت اس. لی بر نظریه جذب و دفع تأکید نموده و آن را منشاء بروز مهاجرت می داند. تأکید لی بر موانع مداخله گر است آنچنان که اظهار می دارد: بین دو مکان مجموعه ای از موانع مداخله گر وجود دارد که در مواردی مقدار آن کم و در مواردی نیز این میزان زیاد است. مهم ترین مانع مطالعه شده فاصله است... البته افراد مختلف تأثیرات متفاوتی را از بین موانع می پذیرند.

نمودار ۱- برخی از عوامل مؤثر بر مهاجرت در نظریه لی

همان گونه که در نمودار ۱ نشان داده شده است در هر حوزه عوامل متعددی در جذب افراد به آن حوزه مؤثر بوده (علائم مثبت) و عوامل دیگری که موجب دفع افراد از آن حوزه می شود (علائم منفی) وجود دارد. همچنین

2. Everett S. Lee

۲-۳. نظرات زیمپ<sup>۳</sup> و استافر<sup>۴</sup>

زیمف نیز به عوامل مداخله گر معتقد است و آن را به شکل رابطه معکوس بین فاصله با مهاجرت نشان می دهد. وی با الهام از قانون جاذبه نیوتن، پیشنهاد می نماید که برای تخمین مهاجرت بین دو مکان می توان از فرمول زیر استفاده نمود

$$\text{جاذبه} = \frac{PoPd}{D}$$

در فرمول فوق جمعیت Po جمعیت مکان مبدأ و Pd جمعیت مکان مقصد و D فاصله ای است که دو مکان مزبور را از هم جدا می سازد. استفافورد نیز به مسئله موانع مداخله گر را به شیوه مثبت و منفی می نگریست و نظریه (فرصت های مداخله گر) را تنظیم نمود. براساس این نظریه مهاجرت انجام شده بین دو مکان رابطه مستقیم با فرصت های جاذب مثل اشتغال، مسکن و غیره دارد.

۲-۴. نظریه لاوری و راجز

لاوری و راجز نیز نظریه جذب و دفع را مورد آزمایش قرار دادند و مشابه استفافورد زیمف شرایط اقتصادی و اجتماعی مبدأ و مقصد را ملحوظ داشتند. اگر چه نتایج حاصل از بررسی آنها محرک های اقتصادی را عامل مهاجرت در آمریکا می دانند، ولی برای یافتن علت های مهاجرت، پایه های عقلانی بیشتری را مورد نیاز می دانند. هر دو دریافتند که مهاجرت از مکان

عوامل دیگری هم به صورت خنثی هستند که به صفر نشان داده شده است.

واضح است که مجموع عوامل مثبت و منفی در مبدأ و مقصد برای مهاجر یا مهاجرین با هم متفاوت هستند. در عین حال ممکن است طبقاتی از مردم که به گونه مشابه به مجموعه عوامل در مبدأ و مقصد واکنش می دهند را بتوان از یکدیگر تفکیک کرد.

اثر هر یک از عوامل بنا به شخصیت و ویژگی های فردی، مثلاً سن، جنس، میزان تحصیلات، سطح مهارت، نژاد، گروه های قومی و غیره متفاوت خواهند بود. این عوامل (مثبت، منفی، خنثی) برای اشخاص مختلف هم در مبدأ و هم در مقصد متفاوت خواهد بود. مثلاً آب و هوای خوب، عامل جاذب و آب و هوای نامناسب، عامل دافع برای افراد است، یا اینکه یک نظام آموزشی خوب ممکن است برای کودکان و نوجوانان جزو عوامل مثبت و برای شهروندان که فاقد بچه هستند، عامل منفی باشد، زیرا مالیات زیادتری برای تأمین بودجه آموزش و پرورش آن منطقه باید پردازند، در صورتی که برای مرد مجرد فاقد دارایی مشمول مالیات در این حالت، نظام آموزشی از عوامل خنثی به شمار می آید.

«لی» همچنین در این مدل در مورد زمینه مهاجرت، گسترش جریان و ضد جریان مهاجرت و بالاخره ویژگی های مهاجران نیز پرداخته است.

مبدأ (۱) به مکان مقصد (د) رابطه مستقیم با سطح بیکاری در مکان‌های مبدأ و مقصد دارد.

لاینفک جریان توسعه اقتصادی مورد توجه قرار داد، توسط آرتور لوئیس<sup>۶</sup> (۱۹۶۱) تعدیل و بسط داده شد.

## ۲-۵. نظرات اسکوتز و شاستاد

اسکوتز و شاستاد<sup>۵</sup> نیز روش‌های مشابه به لاوری و راجز را اتخاذ می‌کردند. پایه نظری آنها در تبیین مهاجرت مبتنی است بر آنچه که آنها سرمایه‌گذاری می‌دانند. این دو محقق معتقدند هر فرد در هنگام تصمیم به مهاجرت، هزینه‌های فیزیکی و پولی ناشی از مهاجرت را مد نظر قرار می‌دهند. در این رابطه دستمزد در مبدأ و مقصد، هزینه حمل و نقل امکان یافتن کار و تفاوت در هزینه‌های غذایی و مسکن نقش مهمی را ایفا می‌کنند. نگرستن به فرآیند مهاجرت در چنین چارچوبی کمک می‌کند تا چگونگی تغییرات نیروی کار در نتیجه توزیع نیروی کار در مناطق مختلف بهتر قابل درک باشد.

این الگو در اواخر دهه ۱۹۵۰ و اوایل دهه ۱۹۶۰ به عنوان نظریه عمومی پذیرفته شده در مورد کشورهای جهان سوم که نیروی کار اضافی داشتند مطرح شد. بر اساس این الگو جامعه از دو بخش اقتصادی تشکیل می‌شود:

۱. بخش سنتی معیشتی روستایی که با نیروی کار مازاد و دارای بهره‌وری پایین یا بدون بهره‌وری مشخص می‌شود.
۲. بخش صنعتی شهری که دارای بازده تولید بالا و اشتغال کامل است. بنابراین نیروی کار اضافی روستایی به تدریج از بخش سنتی به این بخش منتقل می‌شود. این الگو، مهاجرت را در یک ساز و کار (مکانیسم) متعادل کننده می‌داند و نظریه پردازان این الگو معتقدند که به علت دستمزدهای بالا و میزان اشتغال بیشتر در بخش صنعتی نوین، مهاجرت از بخش سنتی معیشتی به بخش صنعتی نوین جریان پیدا می‌کند. این وضعیت، سطح تولید بخش صنعتی و سود سرمایه‌داران را افزایش داده، سپس سود به دست آمده (بعد از پرداخت دستمزدها) مجدداً توسط سرمایه‌داران در بخش صنایع نوین سرمایه‌گذاری می‌شود. بدین ترتیب این امر موجب افزایش تقاضای

ایراداتی که از دیدگاه جامعه‌شناسی به نظرات جذب و دفع گرفته شده است، این است که چنین نظریاتی کنش متقابل مهاجران و پیامدهای ناشی از مهاجرت را مورد توجه قرار ندادند. ولی در هر حال این گونه نظریات توانستند به عنوان نظریات راهگشا، مسیر را برای نظریه پردازی و پژوهش در زمینه مهاجرت هموار سازند.

## ۳. نظریه الگوی اقتصاد دو بخشی توسعه

نخستین و معروف‌ترین الگوی توسعه که مهاجرت نیروی کار روستایی به شهر را جزو

5. Shasstad

6. Arthur Lewis

خانواده و اعضای فامیل، تحمل رنج و سختی سفر و تحمل شرایط محیطی مقصد و پذیرش عادات جدید می باشد. در مورد فواید جنبه های مادی آن: احتمال کسب درآمد بالاتر و ارتقای شغلی در آینده و غیره و فواید غیرمادی: برخورداری از هر گونه امکانات رفاهی و تفریحی و آسایش در مقصد که در محل زندگی قبلی او نبوده است، می باشد.

در این نظریه فرض بر این است که انسان ها تمایل دارند که درآمد خالص واقعی دوران زندگی شغلی خود را به حداکثر برسانند و می توانند درآمد احتمالی آینده در مقصد و درآمد کنونی خود در مبدأ را محاسبه نمایند.

بر طبق این نظریه می توان انتظار داشت که افراد مسن نسبت به جوانان تمایل کمتری به مهاجرت دارند، زیرا اولاً تفاوت درآمد بین مبدأ و مقصد با توجه به عمر باقی مانده آن قدر زیاد نیست و در ثانی هزینه های غیرمادی برای این افراد بیش از جوانان است. جوانان به ویژه جوانان تحصیل کرده بیش از دیگران مهاجرت می کنند، زیرا تفاوت درآمد بالقوه آنان بین مبدأ و مقصد احتمالاً زیاد است.

#### ۵. نظریه اقتصادی مهاجرت تودارو

مایکل تودارو (۱۳۶۶) از صاحب نظران مسائل اقتصادی کشورهای موسوم به جهان سوم، درباره مهاجرت روستا شهری برای این کشورها

کار از بخش سنتی گردیده، در نتیجه مهاجرین بیشتری از روستا به سوی بخش صنعتی نوین روانه می شوند. این روند تا زمانی ادامه می یابد که نیروی کار اضافی در روستا وجود داشته و نیز تقاضای کار برای آن در شهر موجود باشد. طبق این نظریه، مهاجرت امری مطلوب و نوعی مکانیسم متعادل کننده جوامع برای بقا و دوام نظام اجتماعی است.

#### ۴. مدل سرمایه گذاری انسانی و هزینه و فایده

این نظریه ابتدا توسط شاستاد (۱۹۶۱) ارائه شده و سپس داونز<sup>۷</sup> (۱۹۷۶) آن را گسترش داد. طبق این نظریه تصمیم گیری برای مهاجرت نوعی تصمیم به سرمایه گذاری است که در آن شخص مهاجر هزینه و فایده مهاجرت را در نظر می گیرد. بدین ترتیب مهاجرت موقعی انجام می شود که فایده آن به هزینه اش افزون باشد. در اینجا شخص مهاجر قبل از مهاجرت، هزینه های اجتماعی احتمالی و فوایدی را که در اثر مهاجرت به دست می آورد مقایسه نموده، سپس تصمیم به مهاجرت می گیرد. این فایده و هزینه ها شامل عناصر مادی و غیر مادی هستند. هزینه های مادی شامل: هزینه های سفر، دور ریختن اثاثیه منزل که ارزش جه به جایی ندارند، تحمل یک دوران بیکاری و بی مزدی و غیره است.

هزینه های غیرمادی شامل: دور ماندن از

مدل نظری ارائه داده است. می توان گفت مدل وی حالت گسترش یافته نگرش سرمایه انسانی «شاستاد» و از جهاتی از نظریه اقتصادی دوگانه توسعه «لوئیس» متأثر است.

مدل مهاجرت تودارو دارای چهار ویژگی اصلی زیر است:

۱. مهاجرت، جریانی انتخابی و انگیزه آن بر پایه ملاحظات عقلانی اقتصادی، سود و هزینه نسبی است و گرچه عمدتاً اقتصادی است، اما ضمناً روانی هم هست.
۲. تصمیم به مهاجرت به تفاوت درآمد «مورد انتظار» بین شهر و روستا بستگی دارد نه تفاوت درآمد «واقعی» بین آنها.
۳. احتمال به دست آوردن شغلی در شهر با میزان بیکاری شهری رابطه عکس دارد.
۴. در صورت وجود اختلاف بسیار در درآمد «مورد انتظار» بین شهر و روستا، وجود «میزان مهاجرت» مازاد بر «فرصت های اشتغال» نه تنها ممکن بلکه منطقی و حتی محتمل است و لذا میزان بالای بیکاری شهری نتیجه اجتناب ناپذیر عدم تعادل جدی فرصت های اقتصادی بین مناطق روستایی و شهری اکثر کشورهای در حال توسعه است.

## ۶. مدل شبکه ای

این مدل به طور مشخص تقریباً اوایل دهه ۱۹۸۰ مطرح گردید. سپس به وسیله دیگر صاحب نظران

گسترش یافت در این دیدگاه هزینه و فایده مهاجرت در قالب شبکه های مهاجرتی مورد تبیین قرار می گیرد.

به اعتقاد نظریه پردازان این دیدگاه، شبکه های مهاجرتی مشتمل است بر پیوندهای بین افراد که مهاجران قبلی و غیر مهاجران را در مناطق مبدأ و مقصد از طریق پیوندهای خویشاوندی، دوستی و یا خاستگاه اجتماعی مشترک به هم مرتبط می سازد. درون شبکه های مزبور حرکات مهاجرتی رو به افزایش می نهد: زیرا که هزینه ها خطرات ناشی از مهاجرت را کاهش داده و منافع حاصل از آن را افزایش می دهد. در واقع، ارتباطات و تماس های حاصل از این گونه شبکه ها نوعی سرمایه اجتماعی<sup>۸</sup> به شمار می آید که افراد به وسیله آن به موقعیت شغلی بهتری دست می یابند. در این نظریه بر دو عامل تأکید می شود و در واقع این دو عامل هستند که اساس حرکت مهاجرت ها را پی ریزی می کنند:

الف) کاهش هزینه ها، نخستین مهاجرانی که ترک دیار می کنند و مکان های جدید اختیار می کنند، معمولاً پیوندهای اجتماعی حمایت کننده که مهاجرت را برای آنان کم هزینه کند، وجود ندارند. اما پس از اینکه این نخستین مهاجران، به مهاجرت اقدام کردند، هزینه های بالقوه مهاجرت برای دوستان و خویشاوندان باقی مانده کاهش می یابد. زیرا به دلیل ماهیت ساختارهای

8. Social Capital



پایه‌ریزی کرده و پژوهش‌هایی در این زمینه انجام داده‌اند. یعنی در پژوهش‌های خود بر نگرش مهاجران که متأثر از ارزش‌های اجتماعی و نیز نقش سازمان‌های اجتماعی در رفتارهای مهاجرتی مورد تأکید قرار گرفته است. این مدل سپس به وسیله ایزونشتات، اسپیر، گلدیشترین و فری به طور تخصصی‌تر گسترش یافت. در گسترش مدل متغیرهایی نظیر بررسی تمایل به مهاجرت (توسط مهاجران)، انتخاب مکان، و بالاخره تصمیم به رفتن (مهاجرت) و یا ماندن، سه مرحله‌ای است که رفتار مهاجران معطوف به آنها می‌شود، به مراحل اصلی مهاجرت در نظر گرفته شده‌اند. در ادامه گسترش این پریور<sup>۹</sup>، بایرلی<sup>۱۰</sup>، تامی<sup>۱۱</sup>، و فاتو<sup>۱۲</sup> چارچوب‌هایی برای تحلیل تصمیم‌گیری به مهاجرت در قالب این مدل ارائه می‌دهند این چارچوب شامل چهار مرحله زیر است:

الف) گاهی قبل از تصمیم به مهاجرت.

ب) تصمیم ضمنی مبنی بر مهاجرت کلی، جزئی و یا ماندن.

ج) تصمیم قطعی به مهاجرت و انتخاب مقصد آن.

این مدل تاکنون برای تحقیقات میدانی به صورت تعاریف علمی درآمده و متغیرهایی نظیر درآمد، خانواده، مقیاس منطقه مبدأ مهاجرت، سهولت ارتباط، گروه‌های قومی و سازگاری

خویشاوندی و دوستی، هر مهاجر جدید مجموعه افرادی با پیوندهای اجتماعی در منطقه مقصد به وجود می‌آورد. بدین ترتیب شبکه‌ای از ارتباط بین مهاجران و غیر مهاجران ایجاد می‌شود و با تعهدات حمایتی ضمنی که در درون این شبکه‌ها برای افراد به وجود می‌آید، مهاجرت به مرور زمان با کاهش هزینه‌ها (مادی و معنوی) همراه خواهد بود.

ب) کاهش خطرهای شبکه‌های مهاجرتی برای مهاجران تازه وارد مشاغلی به آسانی در اختیارشان قرار می‌دهد و بدین ترتیب مهاجرت اغلب به منبع قابل اعتماد و مطمئن جهت کسب درآمد تبدیل می‌شود. در این فرآیند هر مهاجر به نوبه خود شبکه مهاجرت را گسترش داده و خطرهای تمام افرادی که به او بستگی دارند و خواهان مهاجرت هستند را کاهش می‌دهد. هر چند که این نظریه بیشتر برای مهاجرت‌های بین‌المللی طرح‌ریزی شده است. ولی در واقع برای مهاجرت‌های داخلی نیز می‌تواند گویای برخی از حقایق مربوط به مهاجرت باشد.

## ۷. مدل رفتاری

این مدل پژوهش خود را بر رفتار فردی و جمعی مهاجران متمرکز می‌کند. توماس و زنائسکی از جمله پژوهشگرانی بودند که چنین مدلی را

9. Pryeer

10. Byerlee

11. Tammy

12. Fatoo

مورد تأکید قرار گرفته‌اند. از دید نظریه پردازان این مدل، مدل‌های رفتاری بیشتر برای پژوهش در مورد مهاجرت‌های داخلی دارد.

### ۸. مدل سیستمی

کاربرد این گونه مدل‌ها به طور مشخص در آثار مابوگونج<sup>۱۳</sup> آغاز گردید. مابوگونج بر این اعتقاد بوده است که به وسیله نظریه عام سیستمی، بهتر می‌توان مهاجرت‌های روستا شهری را تعیین نمود. در این مدل هم مهاجرین و هم نهادها که در کنش متقابل هستند در قالب یک چارچوب کلی نگریسته شده و بدین ترتیب، مجموعه اجزا در حال کنش متقابل با یکدیگر با ویژگی‌ها و روابط در ساختاری منسجم لحاظ می‌شوند. متغیرهای اصلی این مدل عبارتند از:

۱. خرده سیستم اجتماعی شدن: این متغیر به عوامل تأثیرگذار بر جامعه پذیری فرد مهاجر نظر دارد: میزان توسعه یافتگی مکان مبدأ مهاجر، بعد خانوار، میزان تحصیلات والدین مهاجر، میزان وابستگی مهاجر به محل تولد و نیز میزان احساس غربت به آن.
۲. خرده سیستم نهادی: این متغیرها نهادهایی که شخص با آنها به نوعی در چالش است مورد توجه قرار می‌دهد. سطح آگاهی و اطلاعات عمومی و نیز میزان تحصیلات شخص مهاجر، سطح آگاهی و شناخت شخص مهاجر در مورد مناطق مبدأ و مقصد، وضعیت سازمان‌ها و اتحادیه‌های

صنفی موجود در مبدأ و مقصد و نوع ارتباط با آنها، صلاحیت و شایستگی مهاجر برای اولین استخدام در منطقه مقصد و بالاخره وضعیت تأهل مهاجر.

۳. خرده سیستم مصرفی: شامل به دست آوردن کالای مصرفی با دوام (خودرو، تلویزیون و...) ساختن واحد مسکونی در مبدأ و بالاخره استخدام همسر در مقصد.
۴. متغیرهای تنظیمی: این متغیرها مواردی را در نظر می‌گیرند نظیر وضعیت منطقه سکونت در مقصد، انگیزه مراجعت به مبدأ، مدت اقامت در مقصد و متغیرهای جمعیتی مانند جنس و سن. این مدل (سیستمی) سپس به وسیله ریچموند و ورما برای بررسی مهاجرت‌های بین‌المللی نیز مورد استفاده قرار گرفت.

### ۹. مدل وابستگی

این مدل در دیدگاه تضاد یکی از دیدگاه‌های جامعه شناختی تبیین مسائل اجتماعی نضج گرفت. در دیدگاه تضاد جامعه عرصه تضادها و مبارزات طبقاتی است و متغیرهایی مانند روابط حاکمیت، تقسیم کار، توزیع نابرابر امکانات اقتصادی و تغییرات و دگرگونی‌های اساسی (انقلاب‌ها) مورد بحث قرار می‌گیرند. در دیدگاه تضاد تبیین پدیده‌ها و مسائل اجتماعی در مقیاس کلان (نظام‌های سیاسی اجتماعی) است.

13. Mabogunje

تبیین مهاجرت در این دیدگاه به نظرات یا مدل‌های وابستگی شهرت یافته‌اند. از دید نظریه پردازان این دیدگاه مهاجرت (به ویژه مهاجرت روستاییان به شهر) در بطن روابط سرمایه‌داری جهانی و توسعه وابسته کشورهای عقب مانده، باید مورد تحلیل قرار گیرد. این گروه از نظریه پردازان بر این اعتقادند که علت‌های مهاجرت را نمی‌توان از اثرات آن جدا نمود، زیرا مهاجرت از یک سو، معلول توسعه نابرابر کشورهای سرمایه‌داری و کشورهای عقب مانده بوده و از سوی دیگر عامل گسترش و تعمیق توسعه نابرابر است. بنابراین در تعیین فرآیند مهاجرت، لازم است نخست به مسئله عدم توسعه توجه نمود، زیرا در این راستا است که روابط نابرابر ساختی و مکانی بین بخش‌های مختلف جامعه مد نظر قرار می‌گیرد. یکی از ایده‌های مطرح شده در این دیدگاه روابط مرکز پیرامون، در امر توسعه کشورهای توسعه نیافته است که توسط «سمیرا امین» ارائه شده است. کشورهای سرمایه‌داری وضعیت مسلط (مرکز) و کشورها توسعه نیافته وضعیت تحت سلطه (پیرامون) را دارند. این وضعیت در ساختار داخلی کشورها نیز تأثیر گذاشته و سبب به وجود آوردن قطب‌های پیشرفته و توسعه نیافته سرمایه‌داری (معمولاً در شهرها) و مناطق توسعه نیافته (معمولاً روستاها) گشته است و نوعی عدم تعادل منطقه‌ای را به وجود می‌آورد. این امر، باعث مهاجرت و جابه‌جایی نیروی کار

از مناطق روستایی محروم به سوی مناطق شهری پیشرفته می‌گردد.

«پل سینجر» یکی دیگر از نظریه پردازان این دیدگاه، دو مجموعه عوامل مربوط به مبدأ را که باعث مهاجرت می‌شوند از هم متمایز می‌کند، این دو مجموعه عبارتند از:

الف) عوامل رکودی، این عوامل زمانی رخ می‌دهد که جمعیت روستایی به دلیل بهبود نسبی وضع بهداشت و درمان، رشدی بیش از تولیدات کشاورزی داشته باشد و لذا نیروی کار اضافی به وجود می‌آید. این نیروی کار به علت نبود اشتغال در روستاها به سوی شهرها مهاجرت می‌نمایند.

ب) عوامل تغییردهنده، اما تغییردهنده موقعی مؤثرند که روش‌های تولید سرمایه‌داری مدرن در مناطق روستایی نفوذ کرده باشد و باعث تغییر شیوه‌ها و تکنیک‌های تولیدی گردد. در اینجا هدف، افزایش بهره‌وری کار از طریق صنایع سرمایه‌بر است و بنابراین تعداد شاغلین را کاهش داده، سبب مهاجرت نیروی کار اضافه موجود در روستا می‌گردد.

به طور خلاصه در نظریات وابستگی، مهاجرت امری اجباری است که بر اساس عدم توسعه یک محیط (روستا) نسبت به محیط دیگر (شهر) و وابستگی غیرسرمایه‌داری به بخش سرمایه‌داری به وجود می‌آید و یک امر کاملاً استثماری و ادامه آن باعث گسترش هر چه

بیشتر توسعه نیافتگی می گردد.

می کند. در اینجا فرد با دو سازمان اجتماعی روبه رو است: یکی سازمانی که در آن پرورش یافته اما احساس می کند که در آن از فرصت های لازم برای رسیدن به هدف های با ارزش خود محروم است، دیگری سازمانی که شاید فقط به طور مبهم آن را می شناسد، اما احساس می کند که در آنجا به منابع لازم برای رفع محرومیت های خود دسترسی می یابد. در این حالت مهاجرت در عین اینکه نتیجه برخی نارسایی ها که در کارکرد یک سازمان اجتماعی است، اما سلسله ای از تغییرات را در کل سازمان اجتماعی برمی انگیزد. مهاجرت پدیده ای است که سازمان اجتماعی مبدأ و مقصد را تحت تأثیر قرار می دهد.

#### منابع

۱. پیتر ژان، مهاجرت روستاییان، ترجمه محمد مؤمنی، تهران: سازمان انتشارات انقلاب اسلامی، ۱۳۶۹.
۲. جی پرپور رابین، یگانه سازی نظریات مهاجرت داخلی، ترجمه عبدالعلی لهسایی زاده، شیراز: انتشارات نوید، ۱۳۶۸.
۳. عبدالعلی لهسایی زاده، نظریات مهاجرت، شیراز: انتشارات نوید، ۱۳۶۸.
4. Robert Cohen, Theories of migration, Edward ELGAR publishing limited Glos. uk 1996.
5. S.etal Douglas, Theories of international migration: a fiew and appraisal in Robert cohentheories of migration, 1993, p. 181.
6. Lee Everett s., a theory of migration in Robert cohen theories of migration, 1966, p. 14.
7. oded Start, Discontinuity and theory of international migration in Robert Cohen, 1984, p. 206.
8. William Peterson, A General typology of migration in Robert Cohen, 1958, p. 3.

14. Relative Deprivation 15. Stark

از مدل فوق برای تبیین مهاجرت های شهر به شهر نیز می توان استفاده کرد و مهاجرت از شهر های توسعه نیافته به شهر های توسعه یافته تر در یک کشور را در این چارچوب تبیین کرد.

#### ۱۰. نظریه محرومیت نسبی<sup>۱۴</sup>

صاحب نظرانی نظیر استارک و ونگ (استارک<sup>۱۵</sup> ۱۹۸۴) فرار مغزها را در چارچوب تئوری محرومیت نسبی مورد بررسی قرار داده اند. این دو معتقدند نارضایتی تنها هنگامی که دستمزدها پایین است بروز می کند.

مهاجرت یک رفتار تصادفی نیست، بلکه پاسخی برای رفع محرومیت ها محسوب می شود. اما صرف وجود برخی محرومیت ها موجب مهاجرت نمی شود. بنابراین، شناخت ملاک محرومیت های موجود و فرآیندهای اثرگذار محرومیت بر تصمیم به مهاجرت ضروری است. در صورت مساوی بودن شرایط دیگر محرومیت از هدف هایی که با ارزش ترند بیش از محرومیت از هدف هایی که ارزش کمتری دارند در تصمیم به مهاجرت مؤثرند. مهاجرت پاسخ نهایی به محرومیت های نسبی می باشد. در واقع، وقتی فرد یا جمع نتواند به هدف های با ارزش در داخل سازمان اجتماعی خود دست یابد و احساس کند که منابع لازم برای رفع محرومیت هایش در خارج از سازمان اجتماعی او وجود دارد، در آن صورت مهاجرت